

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال هفتم علوم انسانی

## گزارشی

- گونتر گراس برنده نوبل ادبیات ۱۹۹۹ / مینو مشیری
- گزارش از مراسم بزرگداشت مشیری / ارشاد رضویان
- متن نامه فریدون مشیری

## برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات ۱۹۹۹

۱۲۵

بزرگترین نویسندهٔ در قید حیات آلمان که در سال ۱۹۵۹ با نوشتن رمان «طبل حلبی» به  
اشتهار جهانی رسید، پنجشنبه ۳۰ سپتامبر به عنوان برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات معرفی شد. گوئتر  
گراس به خبرنگارانی که خانه‌اش را در احاطه داشتند گفت: «این جایزه نه تنها مرا که همراه من  
ادبیات آلمان را مفتخر می‌کند.»

آخرین برندهٔ نوبل ادبیات هزاره با اساسی‌ترین و عمده‌ترین مسائل قرن بیستم دست و پنجه  
نرم کرده است، از رنج و عذاب دوران نازی گرفته تا امید آشتی‌ای که در پی آمد.  
«قرن من» آخرین کتابی است که گوئتر گراس منتشر کرده و مروری است بر صد سال گذشته.  
آکادمی سوئد با اعلام نام برندهٔ جایزه‌ای که معتبرترین جایزهٔ ادبی برای نویسندگان محسوب  
می‌شود و ارزشی نزدیک به یک میلیون دلار دارد گراس را به خاطر داستانهای پُرکنایه و  
شگفت‌انگیزی که «چهرهٔ فراموش شده تاریخ را به نمایش می‌گذارد» ستود.

گوئتر گراس به اتفاق همسرش اوته در کافه‌ای واقع در طبقهٔ همکف استودیوای که دارد این  
واقعه را جشن گرفت. او یک هنرمند تمام عیار است و بسیاری از کتابهایش را خود مصور کرده  
است.

شایع بود که امسال آکادمی سوئد جایزهٔ نوبل ادبیات را به یک آسیایی اعطاء خواهد کرد. اما  
یک اروپایی آخرین جایزهٔ قرن را ربود، همانگونه که سولی پرودم، شاعر بلندآوازهٔ فرانسوی، در

سال ۱۹۰۱ نخستین جایزه قرن را از آن خود کرد.

شأن و منزلت والای گونتر گراس در جهان ادبیات انتخاب او را از سوی آکادمی سوئد امری طبیعی نمود و این جایزه که معمولاً اوایل ماه اکتبر هر سال اعلام می شود امسال برنده اش زودتر معلوم شد. دبیر شورای آکادمی سوئد به خبرنگاران گفت: «رقیب جدی ای برای گونتر گراس وجود نداشت. انتخاب دشوار نبود». گراس که در گذشته بارها نامزد این جایزه شده بود در رمانهایش به بازیستی سختگیرانه و موشکافانه تاریخ معاصر آلمان پرداخته است. او شخصیتی بحث انگیز در کشورش به شمار می آید، به ویژه اخیراً و پس از انتشار رمان «دشت دوردست» که داستان آن در آلمان شرقی اسبق و در زمان فروپاشی دیوار برلن اتفاق می افتد.

گراس از چهره های مطرح و مشخص آلمان غربی بود که در طی جنگ سرد همواره می کوشید ارتباط با آلمان شرقی که در زیر سلطه کمونیستها بود قطع نگردد و هم او بود که از اتحاد شتابزده دو آلمان به اتفاق نظر دولت مردانی که طمع و آز مالی سرچشمه تصمیم گیری هایشان بود شدیداً تاخت.

گونتر گراس نیز مانند هاینریش بُل، آخرین شهروند آلمانی که در سال ۱۹۷۲ برنده جایزه نوبل ادبیات گردید، پس از خاتمه دوران حکومت نازیها و تخریب و ویرانی کشور پس از جنگ جهانی دوم، به ادبیات آلمان جان تازه دمید. آکادمی سوئد می گوید: «با انتشار رمان «طبل حلبی» در سال ۱۹۵۹ ادبیات آلمان گویی پس از دهها سال جمود و خمود و انحطاط زبان و اخلاق از نو احیاء گردید.»

در رمان «طبل حلبی» که از آن فیلمی به کارگردانی والکر شلواندورف ساخته شد و برنده جایزه اسکار نیز گردید. گراس درباره کودکی اش پیش از جنگ جهانی دوم و حین آن می نویسد، وقتی که در دانزینگ، یکی از بنادر دریای بالتیک می زیست. در آن زمان دانزینگ یک شهر آلمانی بود ولی اکنون جزئی از لهستان است. بر روی بوم عظیم این رمان حماسی قربانیان و بازندگان اجتماع به گونه ای رقت انگیز تصویر شده اند. همزمان گونتر گراس در این رمان محدوده رئالیسم را می شکند و داستان را از چشم یک کودک سه ساله با قدرت ماوراء طبیعی که نمی خواهد بزرگ و بالغ شود روایت می کند.

آکادمی سوئد می گوید: «مبالغه آمیز نیست اگر بگویم که «طبل حلبی» یکی از آثار ماندگار قرن بیستم محسوب خواهد شد.»

گونتر گراس در سال ۱۹۲۷ از والدین لهستانی - آلمانی در دانزینگ متولد شد. پس از خدمت نظام و اسارت به دست نیروهای آمریکایی در جنگ جهانی دوم، در آلمان غربی اسکان گرفت. در پی «طبل حلبی» گراس در دو رمان دیگرش نیز راجع به دانزینگ نوشت و به این ترتیب



● گونتر گراس

«تریلوژی دانزینگ» یا «رمان سه گانه دانزینگ» شکل گرفت.

برخلاف سنت آلمانی که اندیشمندان فاصله‌ای خشک و رسمی و سرد با رویدادها پیشه می‌کنند، گونتر گراس که ماه آینده ۷۲ ساله می‌شود همواره رسالت نویسنده را وارد گود شدن و شرکت در بحث‌های داغ اخلاقی و سیاسی دانسته است. برای بسیاری او صدای یک نسل آلمان است که در زمان جنگ هیتلر به بلوغ رسید و بارگناه والدین را به دوش کشید.

در نخستین مصاحبه مطبوعاتی‌اش پس از گرفتن جایزه نوبل ادبیات کاملاً شایسته و پرازنده بود که او، به جای فوت و فن رمان‌نویسی، نظریاتش را درباره قدرت اتمی، وظیفه آلمانیها در برابر تاریخ و بودجه دولت حاکم بیان کند. در این مصاحبه مطبوعاتی گونتر گراس گفت که احساس جوانهای آلمانی و همچنین احساسین صدراعظم فعلی آلمان را که آرزومند آغازی نوین در تاریخ کشورشان هستند، درک می‌کند:

«این آرزو حقیقی است و قابل درک است. ما دارای تاریخ خاصی هستیم. این تاریخ بارها و بارها گفته شده و به پایان رسیده است. اما تاریخ در سال ۲۰۰۰ ساکن نخواهد ماند. ما باید با تاریخی که داریم زندگی کنیم. این مُصفا نه نیست که بچه‌ها و نوه‌های من که شمارشان کم نیست متحمل داغ ننگ گردند چون آلمانی هستند. آنها بی‌گناهند. اما این بچه‌هایی که پس از جنگ متولد شده‌اند دارای این مسئولیت هستند که اطمینان حاصل کنند که گذشته هرگز دیگر تکرار

نشود. قدرتهای استثنای آن، به عنوان مثال، برای تحمل و قبول میراثی که در آسیا و آفریقا به جای گذاشتند متحمل رنج بیشتری باید شوند.»

گراس همان مردی بود که با حملات بی‌محابا به کاپیتالیسم در زمان جنگ سرد آمریکایی‌ها را به خشم آورد و عمری بر ضد مسابقه تسلیحاتی و توان هسته‌ای جنگید.

گرنتر گراس که در جوانی یک چپ‌گرای آشوبگر بود و همدوش ویلی برانت، لیدر سوسیال دموکرات، فعالیت سیاسی کرد، در حین مصاحبه‌اش در بحر تفکر فرو رفت و سپس گفت: «آنچه از دست داده‌ایم اندکی بیش و بصیرت، یک جو فهم و درک از آرمانشهر واقعی است.»

گرنتر گراس هفده سال داشت که به خدمت زیر پرچم خوانده شد. واحدش که از نوجوانان تشکیل می‌شد در سال ۱۹۴۴ با خمپاره متلاشی شد. در واقع او جوانی، لانه و کاشانه و تقریباً جانش را به نازیسم باخت.

دانزینگ یا گدانسگ فعلی در لهستان را نیز از دست داد زیرا: «ما آلمانی‌ها جنگ را شروع کردیم.» او اکنون در لوبک، بندری در دریای بالتیک که خواهرخوانده دانزینگ برایش محسوب می‌شود زندگی می‌کند چون این شهر یادآور آنچه است که از دست داده است.»

برگرفته از خبرگزاری رویتر و خبرگزاری آسوشیئدپرس

## مشترکین بخارا

بهای اشتراک سال ۱۳۷۸ را هر چه زودتر  
مرحمت کنید. ماه هفتم سال گذشته است و فرصت  
نامه‌نویسی و یادآوری مجدد نیست.